

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

م- جهانگیر

۱۳۰۹۰۹

سایت "سکولاریسم نو"

میکروفونی برای اندیشه های نو یا کهنه!؟

در سایت "سکولاریسم نو" به سردبیری آقای اسماعیل نوری علاء مطلبی از آقای رضا پهلوی زیر عنوان:
استفتاء از روحانیون ایران؟! درج شده است.

من قصد ندارم مقاله رضا پهلوی را نقد کنم. فقط می خواهم بدانم چرا سایت "سکولاریسم نو" جولانگاه هواداران استبداد شده است؟
در آغاز ما بیلیم تاریخ مختصری از نظام پادشاهی به طور اعم و حکومت خانواده پهلوی به طور اخص را به آگاهی آقای اسماعیل نوری علاء
برسانم.

تراژدی قدرت در اخلاق پادشاهان ایران

دکتر محمد امین ریاحی در کتاب گلگشت در شعر و اندیشه حافظ می گوید:
"شاه اسماعیل در آغاز حکومت خود ۲۰ هزار نفر ادرتبریز بدین خاطر که مانند او فکر نمی کردند از بین بُرد" نصرالله فلسفی در کتاب خود به نام
زندگی شاه عباس اول می گوید:

"شاه عباس پسر بزرگ خود صفی میرزا را به بهانه شک و تردید به قتل رساند و دو پسر دیگر را کور کرد"
"به فرمان شاه اسماعیل دوم تمام شاهزادگان صفوی را از کوچک و بزرگ کشتند. او همواره متهم به بد رفتاری نسبت به فرزندان خود بود."
سعید نفیسی در کتاب تاریخ اجتماعی- سیاسی در دوره معاصر می گوید:
"شاه صفوی دستور داد عموهای کورخود را از قلعه الموت به پائین پرتاب کردند. او در دوران حکومت ۱۳ ساله خود بسیاری از مردان
و سرداران نامی ایران را به اتهام واهی سر برید. حتی به زن و مادر خود نیز رحم نکرد."
"ناصرالدین شاه قاجار فرمان داد تا رگهای دست نخست وزیر آزادیخواه و سیاست مدار توانا یعنی امیر کبیر را را بزنند تا با مرگی دلخراش به
زندگیش پایان داده شود."

از آقای نوری علاء می پرسیم آیا استبداد رضا "شاه" رُشدِ مبانی آزادیخواهی را در ایران تعطیل نکرد؟
آیا رضا "شاه" با استقرار رژیم پُولیس، اندیشه عدالت خواهی- استقلال طلبی و شکوفایی جامعه مدنی را به اسارت اختناق و استبداد در
نیآورد؟

می پرسیم آیا میدانید که محمد رضا "شاه" پهلوی به کمک آمریکا و انگلیس، نخست وزیر قانونی و آزادیخواه ایران یعنی دکتر مصدق را که
در مقام دفاع از منافع مردم ایران در برابر چیپول دائمی امپریالیسم انگلیس در صندلی دادگاه بین المللی لاهه نشسته بود به عنوان سرپیچی
از قانون در دادگاه نظامی- سلطنت آباد به محاکمه کشید و محکوم کرد؟

آیا میدانید پدر "تاج" دار "شاهزاده" رضاپهلوی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و سرکوب جنبش ملی به رهبری دکتر مصدق تمام احزاب، سازمان ها و مطبوعات آزاد را تعطیل و زمینه های به روی کار آمدن آخوندها را فراهم کرد؟
روی سخنم با شماست آقای سردبیر.

کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ که اوج خیانت محمدرضا "شاه" پهلوی به منافع ملی ایران است؛ که خود از عوامل اساسی تحولات بعدی و بن بست کنونی کشور است. هرگز نباید به فراموشی سپرده شود.
کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ که طی آن حکومت ملی و قانونی دکتر مصدق را سرنگون ساخت، مسیر تحولات در ایران را مسدود و روزگار مردم ایران را به همین جایی کشاند که امروز شاهد آن هستیم.
در این جا توجه آقای نوری علاء رابه پیام رادیویی محمدرضا "شاه" در آبانماه ۱۳۵۷ جلب می کنم:

"من به عنوان پادشاه شما که سوگند خورده ام که تمامیت ارضی مملکت، وحدت ملی و مذهب شیعه اثنا عشری دین اسلام را حفظ کنم؛ بار دیگر در برابر ملت ایران سوگند خود را تکرار می کنم و متعهد می شوم که خطاهای گذشته و بی قانونی ها و ظلم و فساد، دیگر تکرار نشود. و خطاها از هر جهت نیز جبران گردد. متعهد می شوم تا قانون اساسی که خون بهای انقلاب مشروطیت است به صورت کامل به اجراء در آید. من به عنوان پادشاه ایران پیام انقلاب ملت ایران را شنیدم"

اما در مورد "شاهزاده" بی تاج و تخت آقای نوری علاء.
"شاهزاده" ای که نه پدرش پادشاه قانونی بود و نه پدر بزرگش. هر دو "پادشاه" پهلوی با کودتا سر کار آمدند. و اکنون باورمندان به سکولاریسم، رضاپهلوی را بدون آنکه در مجلس شورای ملی سوگند یاد کرده باشد، به عنوان پادشاه ایران به تخت سلطنت نشانده اند.
آیا این ادامه همان دیکتاتوری رضا "شاه" و محمدرضا "شاه" نیست؟

رادیوها، تلویزیون ها، نشریات و سایت های وابسته به رضاپهلوی با دفاع از حمله نظامی آمریکا به افغانستان، عراق و کشورهای حامی تروریسم" به تبلیغ لزوم دخالت آمریکا (و به طور ضمنی دخالت نظامی) برای سرنگونی رژیم اسلامی پرداخته اند.
رضاپهلوی در این چند سال فعالیت سیاسی، مدام درصدد توجیه خطاهای خاندان پهلوی، دفاع از رژیم پیشین و تحریف حقایق تاریخی و قبولاندن این امر که گویا او به ارزش ها و اصول جامعه دموکراتیک وفادار است.
مشکل اساسی رضاپهلوی این است که هم خود را وارث تاج و تخت کسی می داند که کارنامه اش سرشار از فساد، خیانت، سرکوب گری، استبداد و خودکامگی است و هم انتظار دارد تا مردم ایران باور کنند که او به آزادی، عدالت و دموکراسی اعتقاد دارد.
رضاپهلوی از یک طرف بر روی تمام خطاها و خیانت های پدر و پدربزرگش سرپوش میگذارد و از سوی دیگر قیام مردم علیه ظلم و ستم دربار پهلوی را نتیجه نادانی روشنفکران و مردم میدانند.

آری آقای سردبیر من در جواب این مردم فریبی رضاپهلوی میگویم:
مردم ایران تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ خواهان قهر، خشونت و سرنگونی نظام پادشاهی نبودند. از سالهای بعد از کودتا، رژیم مستبد و خودکامه پهلوی، تمام راه های قانونی و مسالمت آمیز برای اعتراض به ناهنجاریها و رسیدن به آزادی و عدالت رابه روی مردم مسدود کرد. و راهی جز انتخاب مبارزه قهرآمیز یعنی انقلاب برای مردم باقی نگذاشت.

باجای آموزش از تاریخ کشورمان و براساس احکام تاریخی یک صد سال مبارزه مردم ایران، آیارضا پهلوی و مشاورانش (داریوش همایون ، شاهین فاطمی، شجاع الدین شفاو.....) نباید به این نتیجه منطقی و علمی رسیده باشند که انقلاب ۵۷ نظیر تمام انقلاب های جهان محصول شرایط قبل از انقلاب است. بعضی ها می گویند: رضاپهلوی مانند پدر و پدربزرگش مستبد و خودکامه نیست.

میگویند: رضاپهلوی متحول و به عنصری آزادیخواه تبدیل شده است.
میگویم، رضاپهلوی زمانی متحول و آزادیخواه میشود که به طور شفاف حکومت مستبد، فاسد و خودکامه پدر و پدر بزرگش را به نقد بکشد.
کودتای ننگین و خونین ۲۸ مرداد ۳۲ را محکوم کند.

بعد از آنست که میتواند در کنار مردم قرار گیرد. بعد از آنست که میتواند از رژیم جنایتکار اسلامی انتقاد و با آن مبارزه کند.
با این توضیحات از آقای اسماعیل نوری علاء می پرسم چرا صفحات سایت "سکولاریسم نو" را در اختیار نیروهای ضد آزادی می گذارید؟
حتماً به بهانه احترام به دموکراسی! یا اینکه فکری کنید چون "شاهزاده" در تنگ دستی زندگی میکند، این امکانات را در اختیارش می گذارید! اگر چنین است لازم میدانم یک حقیقت دیگر را هم به آگاهی شما برسانم و آن اینکه:

گروه ضد آزادی(خانواده پهلوی، سلطنت طلبان وبقیه طرفداران استبداد پهلوی که به تازگی مشروطه- خواه ودموکرات شده اند) بیلیون ها دلارثروت(محصول کارودست رنج مردم ایران) را به خارج منتقل کردند وبابه راه انداختن رادیو، تلویزیون، نشریه، سایت وباجلب وجذب وخریداری برخی روزنامه نگاران ، شاعران ونویسندگان درصدد هموارکردن شرایط بازگشت نظام پادشاهی به ایران هستند. همانطورکه می بینید آنان ازتمام امکانات برخوردارند. امااگرهنوزاصراردارید که صفحات سایت- "سکولاریسم نو"رادراختیارشان بگذارید،این دیگه تصمیم شماست. فقط یادآوری میکنم که انتخاب نام سکولاریسم برای سایت شما، نام بسیاری مسمایی است. چراکه سکولاریسم بااستبداد وخودکامگی در تضاد است. نامش را تغییر دهید.

ایران بعد ازسرنگونی رژیم جنایتکاراسلامی، به حکم منطق حواد ث، به دوران سلطنت بازخواهد گشت. به باورمن درشرایط بحرانی کنونی جهان، ایران جزدرنظام جمهوری دموکراتیک شانسی برای آزادی- عدالت- شکوفایی اجتماعی واقتصادی خود ندارد.

م- جهانگیر

سیزدهم سپتامبر ۲۰۰۹

jahangiraj@yahoo.com